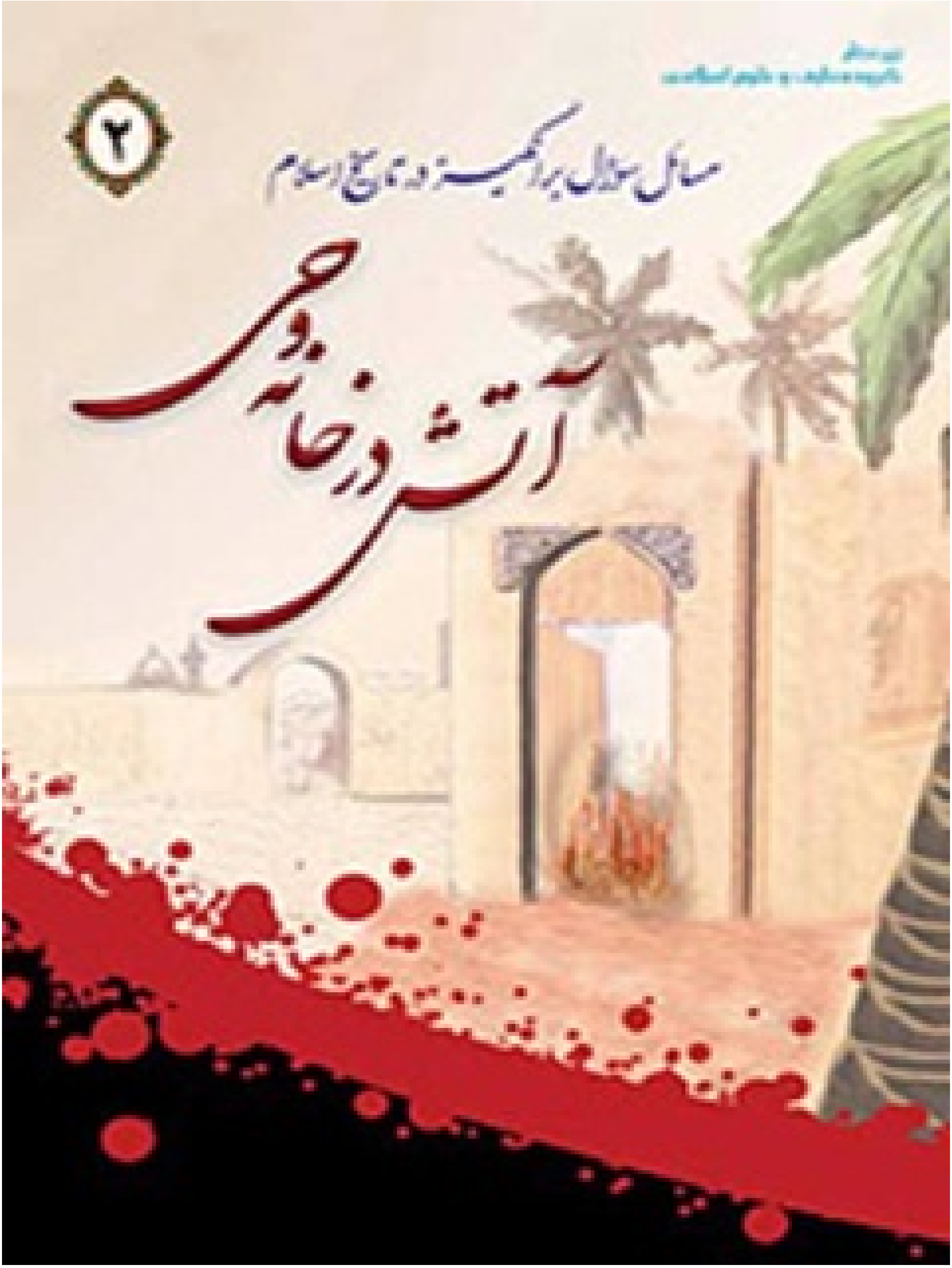

۲
مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام
آتش در خانه وحی

بسم الله الرحمن الرحیم

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام

نویسنده:

سعید داودی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: آتش در خانه وحی جلد ۲ ----- ۷

مشخصات کتاب ----- ۷

اشاره ----- ۸

فهرست مطالب ----- ۱۰

افسانه یا واقعیّت؟ ----- ۱۲

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله ----- ۱۳

۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنّت ----- ۱۵

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت! ----- ۱۶

اشاره ----- ۱۶

الف) ابن ابیشیبه، محدّث معروف اهل سنّت، در کتاب «المصنّف» ----- ۱۷

ب)بلاذری،محدّث بزرگ دیگراهلسنّت،درکتاب«انسابالاشراف» ----- ۱۸

ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه» ----- ۱۹

د) طبری و تاریخ او ----- ۲۲

ه) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید» ----- ۲۲

و) ابوعبید و کتاب «الاموال» ----- ۲۴

ز) طبرانی و «معجم الکبیر» ----- ۲۵

ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید» ----- ۲۶

ط) سخن نظّام در کتاب «الوافی بالوفیات» ----- ۲۷

ی) مبرّد در کتاب «کامل» ----- ۲۸

ک) مسعودی و «مروج الذهب» ----- ۲۸

ل) ذهبی و کتاب «میزان الاعتدال» ----- ۲۹

م) عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام علی» ----- ۲۹

نتیجه: ----- ۳۱

مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام: آتش در خانه وحی جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : داودی، سعید، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : مسائل سوال برانگیز در تاریخ اسلام/ فاضل محقق سعید داودی؛ زیر نظر گروه معارف و علوم اسلامی حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۸-

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : ۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۳۹-۰ ؛ ۴۰۰۰ ریال: ج.۲، چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۴۳-۷ ؛ ۴۰۰۰ ریال: ج.۳ ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۶-۷ : ؛ ۵۰۰۰ ریال (ج.۴، چاپ اول) ؛ ۵۰۰۰ریال: ج.۴، چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۵-۸ : ؛ ۵۰۰۰ ریال: ج.۵ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۷۹-۶ ؛ ۵۰۰۰ ریال: ج.۶: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۸۱-۹

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم، ۱۳۸۸.

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: The narration of pen ink.

یادداشت : ج.۲(چاپ سوم: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۴ (چاپ دوم: ۱۳۸۹)

یادداشت : ج.۴(چاپ اول: ۱۳۸۷)

یادداشت : ج.۵ و ۶ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱.حدیث دوات و قلم.-ج.۲. آتش در خانه وحی.- ج.۳. ازدواج ام کلثوم، مظلومیتی دیگر.- ج.۴ رفتارشناسی خلیفه دوم.-ج.۵. مشروعیت سقیفه.-ج.۶. شورای شش نفرهک یک تحلیل منطقی با استفاده از منابع اهل سنت.

موضوع : شیعه -- تاریخ -- احادیث.

موضوع : اسلام -- تاریخ -- احادیث.

شناسه افزوده : مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام (قم). گروه معارف و علوم اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۹/د۲م۵ ۱۳۸۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۳۳۷۸۰

ص:۱

اشاره

زیر نظر :

گروه معارف و علوم اسلامی

حوزه علمیه قم

مسائل سؤال برانگیز در تاریخ اسلام

۲. آتش در خانه وحی

بخوانید و داوری کنید

فهرستنویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابیطالب(ع)

فهرست مطالب

افسانه یا واقعیّت؟ ۵

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله ۶

۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنّت ۸

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت! ۹

الف) ابن ابیشیبه، محدّث معروف اهل سنّت، در کتاب «المصنّف» ۱۰

ب) بلاذری، محدّث بزرگ دیگر اهلسنّت، در کتاب «انساب الاشراف» ۱۱

ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه» ۱۲

د) طبری و تاریخ او ۱۵

ه-) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید» ۱۵

یورش انجام گرفت! ۱۷

و) ابوعبید و کتاب «الاموال» ۱۷

ز) طبرانی و «معجم الکبیر» ۱۸

ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید» ۱۹

ط) سخن نظّام در کتاب «الوافی بالوفیات» ۲۰

ی) مبرّد در کتاب «کامل» ۲۱

ک) مسعودی و «مروج الذهب» ۲۱

ل) ذهبی و کتاب «میزان الاعتدال» ۲۲

م) عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام علی» ۲۲

نتیجه : ۲۴

افسانه یا واقعیّت؟

اخیرآ یک فرد ناآگاه از تاریخ صحیح اسلام در منطقه سیستان و بلوچستان مقالهای درباره دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته و نام آن را «افسانه شهادت فاطمه زهرا علیها السلام» گذارده است. در این مقاله پس از ذکر مناقب و فضایل آن حضرت، خواسته است شهادت و بیحرمتی را که درباره آن حضرت انجام گرفته، منکر شود و بعضی دیگر، در سخنرانیهای خود بر آن تأکید دارند.

از آنجا که بخشی از این مقاله، تحریف روشن تاریخ اسلام است، ما را بر آن داشت که به گوشهای از این تحریف و بیان بخشی از این حقایق بپردازیم تا ثابت شود شهادت بانوی اسلام یک واقعیّت انکارناپذیر تاریخی است و اگر آنها چنین بحثی را آغاز نکرده بودند، ما در این شرایط، آن را دنبال نمیکردیم.

در این نوشتار امور ذیل را پی میگیریم :

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله .

۲. احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنت.

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت.

به امید آنکه با تشریح این نقاط سه گانه، نویسنده مقاله، در برابر حقیقت سر تسلیم فرود آورد. و از نوشته خود نادم و پشیمان گردد و به جبران کار خود بپردازد.

این نکته حائز اهمیت است که تمام مطالب این نوشتار از منابع معروف اهل سنّت گرفته شده است.

۱. حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله

دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله از مقام والایی برخوردار بود. سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله در حقّ دخترش حاکی از عصمت و پیراستگی او از گناه است، آنجا که درباره او میفرماید :

حضرت زهرا علیها السلام در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله

«فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی فَمَنْ أَغْضَبَها أَغْضَبَنی (۱) ؛ فاطمه پاره تن من

است، هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین کرده است». ناگفته پیداست که خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله مایه اذیت و ناراحتی اوست و

۱- . فتح الباری در شرح صحیح بخاری، ج ۷، ص ۸۴ و نیز بخاری این حدیث را در بخشعلامات نبوّت، ج ۶، ص ۴۹۱، و در اواخر مغازی، ج ۸، ص ۱۱۰ آورده است.

سزای چنان شخصی در قرآن کریم چنین بیان شده است :

«(وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۱) ؛ آنان که رسول

خدا را آزار دهند، برای آنان عذاب دردناکی است».

چه دلیلی استوارتر بر فضیلت و عصمت او که در حدیث دیگری رضای وی در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله مایه رضای خدا، و خشم او مایه خشم خدا معرّفی گردیده است، میفرماید :

«یا فاطِمَهُ إِنَّ اللهَ یَغْضِبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضی لِرِضاكِ (۲) ؛ دخترم

فاطمه!خداباخشم توخشمگین،وباخشنودی تو،خشنودمیشود».

به سبب داشتن چنین مقامی والا، او سرور زنان جهان است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق او چنین فرموده :

«یا فاطِمَهُ! أَلا تَرْضینَ أَنْ تَکُونَ سَیِّدَهَ نِساءِ الْعالَمینَ، وَ سَیِّدَهَ نِساءِ هذِهِ الْاُمَّهِ وَ سَیِّدَهَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ (۳) ؛ دخترم فاطمه! آیا به این

کرامتی که خدا به تو داده راضی نمیشوی که تو، سرور زنان جهان و سرور زنان این امّت و سرور زنان با ایمان باشی».

احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنّت

۱- . توبه، آیه ۶۱ .
۲- . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۴ ؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳ و حاکم در کتابمستدرک احادیثی می آورد که جامع شرایطی است که بخاری و مسلم در صحت حدیث،آنها را لازم دانسته اند.
۳- . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۶ .

۲.احترام خانه آن حضرت در قرآن و سنّت

محدّثان یادآور میشوند، هنگامی که آیه مبارکه (فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ) (۱) بر پیامبر نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله این

آیه رادرمسجدتلاوت کرد،دراین هنگام شخصی برخاست و گفت :

ای رسول گرامی! مقصود از این بیوت با این اهمیّت کدام است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانههای پیامبران!

ابوبکر برخاست، درحالی که به خانه علی و فاطمه علیهما السلام اشاره میکرد، گفت :

آیا این خانه از همان خانههاست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود :

بلی از برجستهترین آنهاست. (۲)

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مدت نه ماه به در خانه دخترش میآمد، بر او و همسر عزیزش سلام میکرد (۳) و این آیه را میخواند: (إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ

لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرآ). (۴)

۱- . نور، آیه ۳۶. (نور خدا) در خانه هایی است که خدا رخصت داده که قدر و منزلت آنانرفعت یابد و نامش در آنها یاد شود.

۲- . قرأ رسول الله هذه الآیه (فی بُیُوتِ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیها اِسْمُهُ) فقام إِلَیْهِرَجُلٌ: فَقالَ: أَیُّ بُیُوتٍ هذِهِ یا رَسُولَ الله صلی الله علیه و آله؟ قالَ: بُیُوتُ الأَنْبیاءِ، فَقامَ إِلَیْهِ أَبُوبَکْرٌ، فَقالَ یارَسُولَ الله صلی الله علیه و آله : أَهذَا الْبَیْتُ مِنْها، - مُشیرآ إلی بَیْتِ عَلِیٍّ وَ فاطِمَهَ ۸ - قالَ: نَعَمْ، مِنْأَفاضِلِها (در المنثور، ج ۶، ص ۲۰۳؛ تفسیر سوره نور، روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۷۴).

۳- . درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶ .

۴- . احزاب، آیه ۳۳ .

خانه ای که مرکز نور الهی است و خدا به ترفیع آن امر فرموده از احترام بسیار بالایی برخوردار است.

آری! خانهای که اصحاب کسا را در بر میگیرد و خدا از آن با جلالت و عظمت یاد میکند، باید مورد احترام قاطبه مسلمانان باشد.

اکنون باید دید پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله تا چه اندازه حرمت این خانه ملحوظ گشت؟ چگونه احترام آن خانه را شکستند، و خودشان صریحاً به آن اعتراف دارند؟ این حرمتشکنان چه کسانی بودند، و هدفشان چه بود؟

۳. هتک حرمت خانه آن حضرت!

اشاره

با این همه سفارشهای مؤکّد، متأسفانه برخی حرمت آن را نادیده گرفته، و به هتک آن پرداختند، و این مسئلهای نیست که بتوان آن را پردهپوشی کرد.

در این مورد نصوصی را از کتب اهل سنّت نقل میکنیم، تا روشن شود مسئله هتک حرمت خانه زهرا علیها السلام و رویدادهای بعدی، امری تاریخی و مسلّم است؛ نه یک افسانه! و با اینکه در عصر خلفا سختگیری فوقالعادهای نسبت به نگارش فضایل و مناقب اهلبیت علیهم السلام در کار بود ولی به حکم اینکه «حقیقت شیء

نگهبان آن است» این حقیقت به طور زنده در کتابهای تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است. در نقل مدارک، ترتیب زمانی را از قرنهای نخستین در نظر میگیریم، تا برسد به نویسندگان عصر حاضر.

الف) ابن ابیشیبه، محدّث معروف اهل سنّت، در کتاب «المصنّف»

ابوبکر ابن ابیشیبه (١٥٩-٢٣٥) مؤلف کتاب المصنّف به سندی صحیح چنین نقل میکند :

«إِنَّهُ حینَ بُویعَ لِاَبی بَکْرٍ بَعْدَ رَسُولَ الله صلی الله علیه و آله کانَ عَلیٌّ وَ الزُّبَیْرُ یَدْخُلانِ عَلی فاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ الله، فَیُشاوِرُونَها وَ یَرْتَجِعُونَ فی أَمْرِهِمْ. فَلَمّا بَلَغَ ذلِکَ عُمَرُ بنُ الْخَطّابِ خَرَجَ وَ دَخَلَ عَلی فاطِمَهَ، فَقالَ : یا بِنْتَ رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله وَ اللهِ ما أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَیْنا مِنْ أَبیکِ وَ ما مِنْ أَحَدٍ أَحَبَ إِلَیْنا بَعْدَ أَبیکِ مِنْکِ، وَ أیْمُ اللهِ ما ذاکَ بِمانِعی إِنِ اجْتَمَعَ هؤلاءِ النَّفَرُ عِنْدَکِ أَنْ أَمرْتُهُمْ أَنْ یُحْرَقَ عَلَیْهِمُ الْبَیْتَ.

قالَ: فَلَمّا خَرَجَ عُمَرُ جاؤُوها، فَقالَتْ: تَعْلَمُونَ أنَّ عَمَرَ قَدْ جاءَنی، وَ قَدْ حَلَفَ بِاللهِ لَئِنْ عُدْتُم لَیَحرِقَنَّ عَلَیْکُمُ الْبَیْتَ، وَ أیْمُ اللهِ لَیَمِضَیَّن لِما حَلَفَ عَلَیْهِ.

هنگامی که مردم با ابیبکر بیعت کردند، علی و زبیر در خانه فاطمه به گفتگو و مشاوره میپرداختند، و این مطلب به عمر بن

خطّاب رسـید. او به خانه فاطمه آمـد، و گفت: ای دختر رسول خـدا، محبوبترین فرد برای ما پـدر تو و بعد از پدرت تو هستی؛ ولی سوگنـد بـه خـدا این محبّت مـانع از آن نیست که اگر این افراد در خـانه تـو جمع شونـد من دسـتور دهم خـانه را بر آنها بسوزانند.

این جمله را گفت و بیرون رفت، وقتی علی علیه السلام و زبیر به خانه بازگشتند، دخت گرامی پیامبر به علی علیه السلام و زبیر گفت: عمر نزد من آمد و سوگند یاد کرد که اگر اجتماع شـما تکرار شود، خانه را هنگامی که شما در آن هستید آتش میزنم، به خدا سوگند! آنچه را که قسم خورده است انجام میدهد!». (۱)

تکرار میکنیم که این رویداد در کتاب المصنّف با سند صحیح نقل شده است.

ب)بلاذری،محدّث بزرگ دیگراهلسنّت،درکتاب«انسابالاشراف»

احمـد بن یحیی بن جـابر بلاذری (م ۲۷۰) نویسـنده معروف و صـاحب تاریـخ بزرگ، این رویـداد تاریخی را در کتاب انساب الاشراف بدین نحو نقل میکند :

«إِنَّ أَبابَكرٍ أَرْسَلَ إلى عَليٍّ يُريدُ الْبَيْعَهَ فَلَمْ يُبايعْ، فَجاءَ عُمَرُ وَ مَعَهُ فَتيلةٌ! فَلَقِيَتْهُ فاطِمَهُ عَلَى الْبابِ.

۱- . مصنف ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۵۷۲، کتاب المغازی.

فَقالَتْ فاطِمَهُ: يَابْنَ الْخَطّاب، أَتَراکَ مُحْرِقآ عَلیَّ بابی؟ قالَ: نَعَمْ، وَذلِکَ أَقْوی فیما جاءَ بِهِ اَبُوکِ.... (۱)

ابوبکر به دنبال علی علیه السلام فرستاد تا بیعت کند؛ ولی علی علیه السلام از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد، و با فاطمه در مقابل باب خانه روبهرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطّاب، میبینم درصدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت : بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است!».

ج) ابن قتیبه و کتاب «الإمامه و السیاسه»

مورّخ شهیر عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۲-۲۷۶) از پیشوایان ادب، نویسندگان پرکار حوزه تاریخ اسلامی و مؤلف کتاب تأویل مختلف الحدیث، و ادب الکاتب و... است. (۲) وی در

کتاب الامامه و السیاسه چنین مینویسد :

«إنّ أبابَکْرٍ(رض) تَفَقَّدَ قَوْمآ تَخَلَّفُوا عَنْ بَیْعَتِهِ عِنْدَ عَلیّ کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ فَبَعَثَ إِلَیْهِمْ عُمَرُ فَجاءَ فَناداهُمْ وَ هُمْ فی دارِ عَلیٍّ، فَأَبَوْا أَنْ

یَخْرُجُوا فَدَعا بِالْحَطَبِ وَ قالَ: وَالَّذی نَفْسُ عُمَرَ بِیَدِهِ لَتَخْرُجَنَّ أَوْ

۱- . انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۶، چاپ دار معارف، قاهره.

۲- . الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۷ .

لَأُحْرِقَنَّها عَلى مَنْ فيها، فَقيلَ لَهُ: يا أَبا حَفصٍ إِنَّ فيها فاطِمَهَ فَقالَ، وَإِنْ! (۱)

ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سر برتافتند و در خانه علی گردآمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به درِ خانه علی علیه السلام آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج ازخانه امتناع ورزیدند در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را با شما آتش میزنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفص (کنیه عمر) در این خانه، فاطمه، دختر پیامبر است، گفت : باشد!».

ابن قتیبه دنباله این داستان را سوزناکتر و دردناکتر نوشته است، او میگوید :

«ثُمَّ قامَ عَمُرُ فَمَشى مَعَهُ جَماعَهٌ حَتّى أَتَوْا فاطِمَهَ فَدقُّوا الْبابَ فَلَمّا سَمِعَتْ أَصْواتَهُم نادَتْ بِأَعْلى صَوْتِها يا أَبَتاهُ يا رَسُولَ الله ماذا لَقينا بَعْدَكَ مِنْ ابنِ الْخَطّابِ وَ ابنِ أَبى الْقُحافه فَلَمّا سَمِعَ الْقَوْمُ صَوْتَها وَ بُكائَها انْصَرَفُوا وَ بَقِىَ عُمَرُ وَ مَعَهُ قَوْمٌ فَأَخْرَجُوا عَلَيّاً فَمَضَوْا بِهِ إِلى أَبى بَكْرٍ فَقالُوا لَهُ بايِعْ، فَقالَ: إِنْ أَنَا لَمْ أَفْعَلْ فَمَه؟ فَقالُوا: إِذاً وَاللهِ الَّذى لا إِلهَ إِلّا هُوَ نَضْرِبُ عُنُقَکَ...! (۲)

عمر همراه گروهی به در خانه فاطمه آمدند، درِ خانه را زدند،

۱- . الامامه و السیاسه ابن قتیبه، ص ۱۲، چاپ مکتبه تجاریه کبری، مصر.

۲- . الامامه و السیاسه ابن قتیبه، ص ۱۳ .

هنگامی که فاطمه صـدای آنان را شـنید، با صدای بلند گفت: ای رسول خدا پس از تو چه مصـیبتهایی به ما از فرزند خطاب و فرزند ابیقحافه رسـید، افرادی که همراه عمر بودند هنگامی که صدای زهرا و گریه او را شـنیدند برگشتند؛ ولی عمر با گروهی باقی مانـد و علی را از خانه بیرون آوردنـد، نزد ابیبکر بردنـد و به او گفتند: بیعت کن، علی علیه السـلام گفت: اگر بیعت نکنم چه میشود؟ گفتند: به خدایی که جز او خدایی نیست، گردن تو را میزنیم...».

این بخش از تاریخ برای علاقهمندان به شیخین قطعآ بسیار سنگین و ناگوار است، لذا برخی در صدد بر آمدند در نسبت کتاب به ابن قتیبه تردید کنند، در حالی که ابن ابی الحدید استاد فن تاریخ، این کتاب را از آثار او میداند و پیوسته از آن مطالبی نقل میکند، متأسفانه این کتاب به سرنوشت تحریف دچار شده و بخشـی از مطالب آن به هنگام چاپ حذف شده است، در حالی که همان مطالب در شرح نهجالبلاغه ابن ابیالحدید آمده است.

زرکلی در کتاب الأعلام این کتاب را از آثار ابن قتیبه میداند و میافزاید: برخی از علما در این نسـبت نظری دارند؛ یعنی شـک و تردید را به دیگران نسبت میدهد؛ نه به خویش. (۱) الیاس سرکیس

نیز این کتاب را از آثار ابن قتیبه میشمارد. (۲)

۱- . معجم المطبوعات العربیه، ج ۱، ص ۲۱۲ .

۲- . الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۷ (چاپ دارالعلم للملایین، بیروت)

د) طبری و تاریخ او

مورّخ معروف محمد بن جریر طبری (م۳۱۰) در تاریخ خود رویداد هتک حرمت خانه وحی را چنین بیان میکند :

«أتی عُمَرُ بنُ الْخَطّابِ مَنْزِلَ عَلیٍّ وَ فیهِ طَلْحَهُ وَ الزُّبَیْرُ وَ رِجالٌ مِنَ الْمُهاجِرینَ، فَقالَ وَاللهِ لاَُحْرِقَنَّ عَلَیْکُمْ أَوْ لَتَخْرُجَنَّ إلی الْبَیْعَهِ، فَخَرَج عَلَیْهِ الزُّبیرُ مُصْلِتاً بِالسَّیْفِ فَعَثَرَ فَسَقَطَ السَّیْفُ مِنْ یَدِهِ، فَوَثَبُوا عَلَیْهِ فَأَخَذُوهُ. (۱)

عمر بن خطّاب به خانه علی آمد در حالی که طلحه و زبیر و گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. وی رو به آنان کرد و گفت: به خدا سوگند خانه را به آتش میکشم مگر اینکه برای بیعت بیرون بیایید. زبیر از خانه بیرون آمد در حالی که شمشیر کشیده بود، ناگهان پای او لغزید، شمشیر از دستش افتاد و دیگران بر او هجوم آوردند و او را گرفتند».

این بخش از تاریخ حاکی از آن است که اخذ بیعت برای خلیفه با تهدید و ارعاب صورت میپذیرفت امّا اینکه اینگونه بیعت چه ارزشی دارد؟ قضاوت آن با خوانندگان است.

ه) ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید»

شهاب الدین احمد معروف به ابن عبد ربه اندلسی مؤلف کتاب

۱- . تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳، چاپ بیروت.

العقد الفرید (م۴۶۳) در کتاب خود بحثی مشروح درباره تاریخ سقیفه آورده است. وی تحت عنوان کسانی که از بیعت ابیبکر تخلف جستند، مینویسد :

«فَأمّا عَلیٌّ وَ الْعَبّاسُ وَ الزُّبَیرُ فَقَعَدُوا فِی بَیْتِ فاطِمَهَ حَتّی بَعَثَ إِلَیْهِمْ أَبُوبَکْرُ، عُمَرَ بْنَ الْخَطّابِ لِیُخْرِجَهُمْ مِنْ بَیْتِ فاطِمَهَ وَ قالَ لَهُ: إنْ أَبَوْا فَقاتِلْهُمْ، فَأَقْبَلَ بِقَبَسٍ مِنْ نارٍ أَنْ یُضرِمَ عَلَیْهِمُ الدّارَ، فَلَقِیَتْهُ فاطِمَهُ فَقالَ: یا ابْنَ الْخَطّابِ أَجِئْتَ لِتَحْرِقَ دارَنا؟! قالَ: نِعَمْ، أوْ تَدْخُلُوا فیما دَخَلَتْ فیهِ الأُمَّهُ!. (۱)

علی و عباس و زبیر در خانه فاطمه نشسته بودند که ابوبکر، عمر بن خطّاب را فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون کند و به او گفت : اگر بیرون نیامدند، با آنان نبرد کن! عمر بن خطّاب با مقداری آتش به سوی خانه فاطمه رهسپار شد تا خانه را بسوزاند، ناگاه با فاطمه روبهرو شد. دختر پیامبر گفت: ای فرزند خطّاب آمدهای خانه ما را بسوزانی؟ او در پاسخ گفت: بلی مگر اینکه در آنچه امّت وارد شدند، شما نیز وارد شوید!».

تا اینجا بخشی که در آن تصریح به تصمیم به هتک حرمت شده است پایان پذیرفت، اکنون به بخش دوم که حاکی از جامه عمل پوشاندن به این نیّت شوم است، میپردازیم! مبادا تصور شود که

۱- . عقد الفرید، ج ۴، ص ۹۳، چاپ مکتبه هلال.

قصد آنها تنها ارعاب و تهدید بود تا علی علیه السلام و یارانش را مجبور به بیعت کنند، و هدف عملی ساختن چنین تهدیدی را نداشتند.

یورش انجام گرفت!

تا اینجا سخنان آن گروه که فقط به سوء نیّت خلیفه و یاران او اشاره کردهاند به پایان رسید. گروهی که نخواستند و یا نتوانستند دنباله فاجعه را به طور روشن منعکس کنند، در حالی که برخی دیگر به اصل فاجعه؛ یعنی یورش به خانه و... اشاره نمودهاند و اینک مدارک یورش و هتک حرمت به خانه حضرت فاطمه علیها السلام (در این بخش نیز در نقل مصادر، غالباً ترتیب زمانی را در نظر میگیریم) :

و) ابوعبید و کتاب «الاموال»

ابوعبید، قاسم بن سلام (م ۲۲۴) در کتاب الأموال که مورد اعتماد فقهای اهل سنّت است، مینویسد :

«عبدالرّحمن بن عوف میگوید: در بیماری ابوبکر برای عیادتش به خانه او رفتم. پس از گفتگوی زیاد گفت: ای کاش سه چیز را که انجام دادهام، انجام نمیدادم، ای کاش سه چیز را که انجام ندادهام، انجام میدادم. همچنین آرزو میکنم سه چیز را از پیامبر

سؤال میکردم؛ یکی از آن سه چیزی که انجام دادهام و آرزو میکنم ای کاش انجام نمیدادم این است که: «وَدَدْتُ أنّی لَمْ أكْشِفْ بَيْتَ فاطِمَهَ وَ تَرَكْتُهُ وَ إنْ أُغْلِقَ عَلَى الْحَرْبِ؛ ای کاش پرده حرمت خانه فاطمه را نمیگشودم و آن را به حال خود وامیگذاشتم، هر چند برای جنگ بسته شده بود». (۱)

ابوعبید هنگامی که به اینجا میرسد به جای جمله : «لم أكشف بيت فاطمه و تركته...» میگوید: «كذا و كذا» و اضافه میکند که من مایل به ذکر آن نیستم!

ابوعبید، هر چند روی تعصّب مذهبی یا علّت دیگر از نقل حقیقت سر برتافته؛ ولی محقّقان کتاب الأموال در پاورقی میگویند: جملههای حذف شده در کتاب میزان الاعتدال - به نحوی که بیان گردید - وارد شده است، افزون بر آن، طبرانی در معجم خود و ابن عبد ربّه در عقد الفرید و افراد دیگر جملههای حذف شده را آوردهاند. (دقت کنید!)

ز) طبرانی و «معجم الكبير»

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰-۳۶۰) که ذهبی در

۱- . الأموال، پاورقی ۴، چاپ نشر کلیات ازهریه، نیز ص ۱۴۴، چاپ بیروت. ابن عبد ربّه درعقد الفرید، ج ۴، ص ۹۳ نیز آن را نقل کرده است، چنان که خواهد آمد.

میزان الاعتدال وی را معتبر میداند. (۱) در کتاب المعجم الکبیر که

کرارآ چاپ شده، آنجا که درباره ابوبکر و خطبهها و وفات او سخن میگوید، یادآور میشود :

ابوبکر به هنگام مرگ، اموری را تمنا کرد و گفت: ای کاش سه چیز را انجام نمیـدادم، سه چیز را انجام میدادم و سه چیز را از رسول خـدا سؤال میکردم: «أمّا الثّلاثُ اللّائی وَدَدْتُ أنّی لَمْ أَفْعَلْهُنَّ، فَوَدَدْتُ أنّی لَمْ أَكُنْ أكْشِفَ بَيْتَ فاطِمَهَ وَ تَرَكْتُهُ...؛ آن سـه چیزی که آرزو میکنم که ای کاش انجام نمیـدادم، آرزو میکنم ای کاش حرمت خانه فاطمه را هتك نمیکردم و آن را به حال خود واگذار میکردم!». (۲)

این تعبیرات به خوبی نشان میدهد که تهدیدهای عمر عملی شد و درِ خانه را به زور (یا با آتش زدن) گشودند.

ح) باز هم ابن عبد ربّه و «عقد الفرید»

ابن عبد ربّه اندلسی مؤلف کتاب العقد الفرید (م۴۶۳) در کتاب خود از عبدالرحمن بن عوف نقل میکند :

«من در بیماری ابیبکر بر او وارد شدم تا از او عیادت کنم، او

۱- . میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹۵ .

۲- . معجم الکبیر طبرانی، ج ۱، ص ۶۲، ح ۳۴، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی.

گفت: آرزو میکنم که ای کـاش سه چیز را انجـام نمیـدادم و یکی از آن سه چیز این است: «وَدَدْتُ أنّی لَمْ أکْشِفُ بَیْتَ فاطِمَهَ عَنْ شـیءٍ وَإنْ کـانُوا أَغْلَقُوهُ عَلَی الْحَرْبِ؛ ای کاش خانه فاطمه را نمیگشودم، هر چنـد آنان برای نبرد درِ خانه را بسـته بودنـد». (۱)

در بحثهای آینده نیز اسامی و عبارات شخصیتهای دیگری که این بخش از گفتار خلیفه را نقل کردهاند، خواهد آمد.

ط) سخن نظّام در کتاب «الوافی بالوفیات»

ابراهیم بن سـیار نظّـام معـتزلی (۱۶۰-۲۳۱) کـه به دلیـل زیبـایی کلامـش درنظم ونـثر به نظّام معروف شـده است در کتابهـای متعددی، واقعه بعد از حضور در خانه فاطمه علیها السلام را نقل میکند. او میگوید :

«إنَّ عُمَرَ ضَـرَبَ بَطْنَ فاطِمَهَ یَوْمَ الْبَیْعَهِ حَتّی ألْقَتِ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِها؛ عمر در روز اخذ بیعت برای ابیبکر، بر شـکم فاطمه زد، او فرزندی که در رحم داشت و نام او را محسن نهاده بودند، سقط کرد!». (۲)

۱- . عقد الفرید، ج ۴، ص ۹۳، چاپ مکتبه الهلال.

۲- . الوافی بالوفیـات، ج ۶، ص ۱۷، شماره ۲۴۴۴؛ ملل و نحل شهرسـتانی، ج ۱، ص ۵۷،چـاپ دارالمعرفه، بیروت. در ترجمه نظّام به کتاب «بحوث فی الملل والنحل»، ج ۳، ص۲۴۸-۲۵۵ مراجعه شود.

ی) مبرّد در کتاب «کامل»

ابن ابی الحدیـد مینویسـد: محمد بن یزید بن عبدالاکبر بغدادی (۲۱۰-۲۸۵) ادیب، و نویسـنده معروف و صاحب آثار مشهور، در کتاب الکامل، از عبدالرحمن بن عوف داستان آرزوهای خلیفه را مینویسد، و چنین یادآور میشود :

«وَدَدْتُ أنّی لَمْ أکُنْ کَشَفْتُ عَنْ بَیْتِ فاطِمَهَ وَ تَرَکْتُهُ وَ لَوْ أُغْلِقَ عَلَی الْحَرْبِ». (۱)

ک) مسعودی و «مروج الذهب»

مسعودی (م۳۲۵) در مروج الذهب مینویسد: «آنگاه که ابوبکر در حال احتضار بود چنین گفت :

سه چیز انجـام دادم و تمنّـا میکردم که ای کـاش انجـام نمیـدادم؛ یکی از آن سه چیز این بـود: فَوَدَدْتُ أنّی لَمْ أَکُنْ فَتَّشْتُ بَیْتَ فـاطِمَهَ وَ ذَکَرَ فی ذلِـکَ کَلاماً کَثیراً!؛ آرزو میکردم که ای کـاش حرمت خـانه زهراراهتـک نمیکردم.وی دراین موردسـخن زیادی گفته است!!». (۲)

مسـعودی بـااینکه نسـبت به اهلبیت گرایشـهای موافقی دارد؛ ولی اینجـا از بازگویی سـخن خلیفه خودداری کرده و با کنایه رد شده است.البتّه سبب راخدامیداندوالبتّه بندگان خداهم اجمالامیدانند!

۱- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۶ و ۴۷، چاپ مصر.

۲- . مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱، چاپ دارالاندلس، بیروت.

ل) ذهبی و کتاب «میزان الاعتدال»

ذهبی در کتاب میزان الاعتدال از محمّد بن احمد کوفی حافظ نقل میکند که در محضر احمد بن محمّد معروف به ابن ابیدارم، محدّث کوفی (م ۳۵۷)، این خبر خوانده شد :

«إنّ عُمَرَ رَفَسَ فاطِمَهَ حَتّی أسْقَطَتْ بِمُحسِنٍ؛ عمر لگدی بر فاطمه زد و او فرزندی که در رحم به نام محسن داشت سقط کرد!». (۱)

م) عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام علی»

وی هجوم به خانه وحی را در دو مورد از کتاب خود آورده است و ما به نقل یکی از آنها بسنده میکنیم :

«عمر گفت: وَالّذی نَفْسُ عُمَرَ بِیَدِهِ، لَیَخْرُجَنَّ أَوْ لَأحْرَقَنّها عَلی مَنْ فیها...! قالَتْ له طائفه خافت اللّه ورَعَتِ الرَّسولَ فی عقبه: یا أباحَفْصٍ، إنَّ فیها فاطِمَهَ...»! فَصاحَ: لایُبالی وَ إن...! وَ اقْتَرَبَ وَ قَرَعَ الْبابَ، ثُمَّ ضَرَبَهُ وَ اقْتَحَمَهُ... وَ بَدالَهُ عَلیّ... وَ رَنَّ حینَذاکَ صَوْتُ الزَّهْراءِ عِنْدَ مَدْخَلِ الدّارِ... فَإنْ هِیَ إلّا طَنینَ اسْتِغاثَهٍ... (۲) ؛

قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا باید بیرون بیایید یا خانه را بر ساکنانش آتش میزنم.

۱- . میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹، شماره ۵۵۲ .

۲- . عبدالفتاح عبدالمقصود، علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۲۷۶-۲۷۷ .

عدّه ای که از خدا میترسیدند و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله رعایت منزلت او را میکردند، گفتند :

ای اباحفص، فاطمه در این خانه است. بی پروا فریاد زد: باشد! نزدیک شد، در زد، سپس بر در کوبید و وارد خانه شد.

علی علیه السلام پیدا شد...

طنین صدای زهرا در نزدیکی مدخل خانه بلند شد... این ناله استغاثه او بود...!».

* * *

این بحث را با حدیث دیگری از مقاتل ابن عطیّه در کتاب الامامه و الخلافه پایان میدهیم (هر چند هنوز ناگفتهها بسیار است!).

او در این کتاب چنین مینویسد :

«إنّ أبابکر بَعْدَ ما أَخَذَ الْبَیْعَهَ لِنَفْسِهِ مِنَ النّاسِ بِالإِرْهابِ وَ السَّیْفِ وَ الْقُوَّهِ أرْسَلَ عُمَرَ وَ قُنْفُذاً وَ جَماعَهً إلی دارِ عَلیٍّ وَ فاطِمَهَ علیهما السلام وَ جَمَعَ عُمَرُ الْحَطَبَ عَلی دارِ فاطِمَهَ وَ أَحْرَق بابَ الدّارِ!... (۱) ؛ هنگامی که

ابوبکر از مردم با تهدید و شمشیر و زور بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به سوی خانه علی و فاطمه علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم جمع کرد و درِ خانه را آتش زد...».

۱- . الامامه و الخلافه، ص ۱۶۰-۱۶۱، تألیف مقاتل بن عطیه که با مقدمه ای از دکتر حامدداود استاد دانشگاه عین الشمس قاهره به چاپ رسیده (چاپ بیروت، مؤسّسه البلاغ).

در ذیل این روایت، تعبیرات دیگری است که قلم از بیان آن عاجز است.

نتیجه:

با این همه مدارک روشن که عموماً از منابع اهل سنّت نقل شده، باز بعضی از آنان تعبیر «افسانه شهادت» را به کار میبرند و این حادثه تلخ را ساختگی میپندارند! اگر اصرار آنها بر نفی این حقایق نبود ما نیز بحث را این مقدار گسترش نمیدادیم.

امیدواریم بیان این حقایق افراد خفته را بیدار کند، تا حقایق تاریخی را در لابهلای تعصّبات پنهان نسازند و آنها را انکار نکنند.

وما علینا إلّا البلاغ

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹